

مهدی نیک‌منش\*

## قلم منتجب

### چکیده:

اساسی‌ترین زمینه‌های تحول در زبان و ادب ایران پس از اسلام، در قرن ششم با قدرت یافتن سلجوقیان شکل گرفته است. از جمله پیامدهای تحولات سیاسی - اجتماعی عصر یاد شده، گسترش جغرافیای شعر، تحول در زبان، فکر و صور خیال و در یک کلمه، تغییر و تحول در سبک بوده است. دشواری و دیریابی شعر قرن ششم از جمله ویژگی‌های سبکی این دوره به شمار می‌رود.

شعر انوری، نمونه‌ای از دشوارگویی در آن دوره است. شروح کهنی چون شرح شادی آبادی، شرح ابوالحسن فراهانی و کوشش‌های اخیر مرحوم مدرّس رضوی و استاد ارجمند شهیدی، شواهدی بر این مدّعاست. نگارنده بر آن است تا در این مقاله، نکته‌ای را از دیوان این شاعر خراسانی شرح کند.

---

\* عضو هیأت علمی دانشگاه رازی

قرن ششم هجری به دلایل بسیار، از جمله قدرت یافتن سلجوقیان، مطرح شدن عراق در برابر خراسان، راه‌یابی زبان دَری به عراق و آذربایجان و درآمیختن با دیگر لهجه‌ها، انتقال مجالس و محافل ادبی به این منطقه و... در تاریخ ادبیات ایران قابل توجه و بررسی است.

با روی کار آمدن سلجوقیان، اساسی‌ترین زمینه‌های تحوّل در زبان و ادب ایران پس از اسلام به وجود آمد؛ تحوّل در زبان، فکر، صور خیال و در یک کلمه، تغییر و تحوّل در سبک سخن و گسترش جغرافیای شعر، مؤلّف لب‌الالباب را بر آن داشته تا ضمن دسته‌بندی جغرافیایی، شعرای این دوره را به چهار دسته: شعرای خراسان، ماوراءالنهر، عراق، غزنین و لاهور تقسیم کند.<sup>۱</sup> انوری ایبوردی در این تقسیم از شعرای برجسته خراسان به شمار می‌رود.

افزون بر برخی از ویژگی‌های خاص در شعر وی، مانند آشنایی با فلسفه و آثار ابن‌سینا، مدح و هجو توأمان، صراحت در تقاضا و... با ویژگی‌های دیگری روبرویم که از مختصات سبک دوره به شمار می‌رود. از این رو این گونه اشعار در طول زمان مورد توجه شارحان قرار گرفته است. شرح شادی آبادی، شرح ابوالحسن فراهانی و شرح محمدبن عبدالرزّاق دنبلی تبریزی که در فاصله نیمه دوّم قرن نهم تا نیمه اوّل قرن سیزدهم بر این دیوان نگاشته شده شواهدی بر این مدّعا هستند.<sup>۲</sup>

در روزگاز حاضر نیز علاوه بر دیوان انوری به تصحیح استاد سعید نفیسی و اهتمام محمدتقی مدرّس رضوی به چاپ شرح ابوالحسن فراهانی و ارائه تصحیحی منقّح از دیوان، استاد فاضل دکتر سیّد جعفر شهیدی با «شرح لغات و مشکلات دیوان انوری» خدمتی ارزشمند به فرهنگ و ادب ایران عرضه کرده است.<sup>۳</sup> دقّت و موشکافی در شرح معانی واژگان، ترکیب‌ها و اصطلاحات

علمی اعم از نکات طبّی، ریاضی، نجومی، فقهی و...، استشهاد بجا به ابیاتی از شعرای پارسی‌گو و تازی‌گو به‌ویژه اظهارنظرهای دقیق در تصحیح برخی ابیات، از احاطه علمی و ژرف‌نگری مؤلف حکایت دارد.

نگارنده با ادای احترام و فرو آوردن سر تعظیم در برابر همه کسانی که به نحوی درباره انوری و شعرش کوشیده‌اند، بر آن است تا در این مقاله، به شرح نکته‌ای از شعر این شاعر خراسانی بپردازد.

\*\*\*

### انوری در مقدمه قصیده‌ای خزانیه با مطلع:

روزِ می خوردن و شادی و نشاط و طرب است  
 نواف هفته است اگر غره ماه رجب است

### در مدح ناصرالدین ابوالفتح طاهر، چنین سروده است:

این همان سکنه و صحراست که گفتم ز سموم  
 تربت آن خرف و رُستنی این خطب است  
 خیز از سعی دخان بین و ز تأثیر بخار  
 تا در این هر دو کتون چند رسوم عجب است  
 روزن این همه پر ذره زرین زره است  
 عرصه آب همه پر پشه سیمین سلب است  
 لعمه در سکنه کانون شده بر خود پیچان  
 افعی کاه ریا پیکر مرجان عصب است  
 دود حلقه شده بر سطح هوا خم در خم  
 سطرهایی است که مکتوب بنان لهب است

شعله آتش از آن روی که گفتم گویی  
در مقادیر کتابت، قلم منتجب است.<sup>۴</sup>

### شهیدی در شرح این ابیات، ذیل قلم منتجب می نویسد:

«در بین قلم‌های متداول، قلمی بدین نام نیافتم، از تشبیه دود حلقه شده بدین قلم، شاید مقصود قلمی است که در نفایس الفنون به نام (قلم مدور) آمده است.»<sup>۵</sup>

همچنین در تعلیقات کتاب (اضافات چاپ دوم) آورده است:

«... در اصول خطوط سته ج ۱۱ فرهنگ ایران زمین ص ۱۸۸-۱۲۷ از قلم منتصب ذکری شده، آیا یکی محرف دیگری است؟»<sup>۶</sup>

اولین نکته در شرح ابیات، اطمینان از متن و تأمل در نسخه بدل‌هاست. از میان نسخ مورد استفاده مدرس رضوی در تصحیح دیوان انوری که بالغ بر پانزده نسخه است، تنها در دو نسخه ص و ق (متعلق به کتابخانه آقای سلطان‌القرایی) مؤرخ به سال ۹۸۸ و ۱۰۱۹ هـ. قلمه منتخب ضبط شده است.<sup>۷</sup> علاوه بر اینکه اکثر نسخ، گفته متن را تأیید می‌کند، کاربرد منتخب به عنوان کلمه قافیه در بیت ماقبل آخر این قصیده، امکان ترجیح منتخب را از ذهن دور می‌سازد.

بی‌تو ترتیب شب و روز و مه و سال مباد

که ز سر جمله آن مدت تو منتخب است.<sup>۸</sup>

نکته دوم، تأمل در معانی قلم است. به استناد تتبع شهیدی، در میان قلم‌های متداول، قلمی بدین نام خوانده نشده است. از قلم نوع خط نیز اراده شده است چنانکه در اوایل دولت بنی‌عباس، دروازه قلم [قلم در معنی نوع خط]

نزد خوشنویسان متداول گردیده بود: ۱- قلم ثلثین ۲- ثلاثین ۳- قلم زنبور ۴...<sup>۹</sup> لیکن در این میان نیز نامی از قلم منتجب نیست.

گاه قلم را به افراد و اشخاص باز خوانده‌اند. و از قلم، شیوه و خطی منسوب بدو را اراده کرده‌اند. چنانکه قلم مُقلی، خط منسوب به ابن مقلی و قلم مهلبی به نظر، خط منسوب به ابو محمد حسن بن محمد مهلبی از خاندان مهلب ابن ابی صفره است.<sup>۱۰</sup>

#### آیا منتجب در این ترکیب اسم خاص نیست؟

نکته سوم که در حقیقت مؤید حدس اخیر به شمار می‌رود، شیوه شاعر در به کارگیری اسامی خاص در موضع قافیه و گاه ردیف شعر است. برای نمونه:

- در مدح مجدالدین محمد بن نصر احمد:

گر چرخ را در این حرکت هیچ مقصد است

از خدمت محمد بن نصر احمد است<sup>۱۱</sup>

- در مدح کمال الدین محمود خال:

اگر در حیز گیتی کمال است

ز آثار کمال الدین خالست<sup>۱۲</sup>

- در مدح خاتون صفوة الدین مریم:

عیسی اندر آسمان هم داند از خواهی بپرس

تات گوید کاین سخن در صفوة الدین مریم است<sup>۱۳</sup>

با طرح مقدمات ذکر شده، به نظر نگارنده منظور شاعر از منتجب، علی بن احمد کاتب ملقب به منتجب‌الدین است. وی منشی معروف سلطان سنجر سلجوقی و صاحب دیوان رسایل اوست و چنانکه مشهور است انوری و منتجب‌الدین کاتب، هر دو معاصر و در خدمت سلطان سنجر بوده‌اند. شهرت منتجب‌الدین بیشتر مرهون واقعه مشهور شفاعت وی از رشید و طوط نزد سلطان سنجر است که در تاریخ جهانگشای جوینی نیز به تفصیل ذکر شده است.<sup>۱۴</sup>

عوفی در باب ششم از تذکره لباب‌الآلیاب خود درباره مهارت وی در «صنعت کتابت» چنین می‌نویسد: «الصدر الأجل منتجب‌الدین بدیع اتابک الخوی رحمه الله...»

سر جریده کتاب و مصحف اقبال را ذات او أم الكتاب. دبیران عصر و افاضل دهر انصاف داده‌اند که در میدان بلاغت، سواری شهم‌تر از بدیع اتابک جولان نکرده است و بکران سبقت را در مویکب نظم و نثر مثل او بر روی مدعیان نناخته است و عتبه‌الکتبه (یا) غنیه‌الکتبه که او پرداخته... جمله مقبول فضلاء عالم است بلکه در اطراف آفاق از کبریت احمر و یاقوت اصفر عزیزتر است.<sup>۱۵</sup>

سعدالدین و راویسینی نیز در مقدمه مرزبان‌نامه، در یادکرد برجسته‌ترین نمونه‌های نثر پیش از خود می‌نویسد:

«... و مقامه حمیدی که حمامه طبع او همه سجع‌سرای بودست و قدح‌های ممزوج از قدح و مدح آن (را) اسماع خوانندگان بر نوای اسجاع او از یکدیگر فرا گرفته و از قبیل رسائل مجموعی از مکاتبات منتجب بدیعی که به بدایع و روائع کلمات و نکات مشحونست، لطف از متانت درآویخته و جزالت با سلاست آمیخته و آنرا عتبه کتبه نام کرده. کتاب محقق، آنرا بسی بوسیده‌اند و به مراقی غایاتش

نرسیده و... ۱۶.

گفتنی است که انوری علاوه بر قصیده‌ای با مطلع:

صدری که از دولت و دین جفت ثباتست

آن خواجه شرعست که سلطان قضاتست

که در مدح قاضی حمیدالدین بلخی، صاحب مقامات حمیدی، پرداخته است،

در قطعه‌ای که به وصف مقامات مشهور وی با مطلع:

هر سخن کان سخن نیست قرآن یا حدیث مصطفی

از مقامات حمیدالدین شد اکنون ترهات<sup>۱۷</sup>

سروده، از وی به تصریح یاد کرده است. لیکن تصریح به نام منتجب‌الدین از

نگاه تیزبین مؤلف شرح مشکلات و نیز مصحح ارجمند دیوان وی به دور مانده

است. مرحوم مدرّس رضوی در مقدمه دیوان انوری می‌نویسد:

«در دیوان انوری، قصیده و قطعه‌ای در مدح منتجب‌الدین نیست ولیکن

مرحوم علامه فروینی در مقدمه عتبه‌الکتابه مرقوم داشته است که از قراری که قاضی

احمد غفاری در تاریخ نگارستان ذکر کرده، قصیده انوری که مطلعش این است:

ای بر سر کتاب تو را منصب شاهی

منشی فلک داد بر این قول گواهی

در مدح همین منتجب‌الدین بدیع است... ۱۸.

\*\*\*

نگارنده بر این باور است که این شیوه مدح یعنی در ضمن قصیده‌ای

مدیحه به ایجاز دیگری را مدح گفتن - که می‌توان آن را شیوه مدح در مدح

نامید - از تصریح و تفصیل در قصیده‌ای مدیحه بسیار مؤثرتر است.

نتیجه سخن این که، انوری در تخیل شاعرانه خود با بهره‌گیری از انسانوارگی یا تشخیص، دود حلقه حلقه شده و خم در خم در آسمان را، خطوط و سطرهایی می‌داند که به وسیله انگشتان شعله بر صفحه کبود آسمان نقش بسته است:

دود حلقه شده بر سطح هوا خم در خم

سطرهایی است که مکتوب بنان لهب است

شاعر در بیت بعد برای تکمیل دایره تصویرسازی خود، شعله آتش

(مشبه) را در شیوه کتابت و ترسل (وجه شبه) به قلم کاتب مشهور عصر خود،

منتجب‌الدین بدیع (مشبه به) تشبیه کرده است:

شعله آتش از آن روی که گفتم گویی

در مفادیر کتاب قلم منتجب است.



## منابع و یادداشت‌ها

- ۱- عوفی، محمد. تذکره‌الباب‌الالباب، به سعی و اهتمام ادوارد براون، ترجمه محمد عباسی، چاپ اول، کتابفروشی فخر رازی، بهار ۱۳۶۱، نیمه دوم، ص ۵۵۴.
- ۲- صفا، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات ایران، پنج جلد، چاپ یازدهم، انتشارات فردوس، تهران، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۶۷۷. نیز رک: شهیدی، سیدجعفر. شرح لغات و مشکلات دیوان انوری، چاپ دوم، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۴، صص ۵۷۴-۶۰۱.
- ۳- بر تحقیقات ذکر شده باید «مفلس کیمیا فروش» را از دکتر شفیع کدکنی افزود.
- ۴- انوری، اوحدالدین علی بن محمد. دیوان انوری، به اهتمام محمدتقی مدرس رضوی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، دو جلد، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۷۲، صص ۴۹-۵۰.
- ۵- شرح لغات مشکلات دیوان انوری، ص ۱۵۳.
- ۶- همان جا، ص ۶۱۱.
- ۷- دیوان انوری، پاورقی ص ۵۰.
- ۸- همان جا ص ۵۱.
- ۹- دهخدا، علی اکبر. لغت‌نامه، ذیل قلم.
- ۱۰- معین، محمد. فرهنگ فارسی.
- ۱۱- دیوان انوری، ص ۵۵.

- ۱۲- همان جا، ص ۷۵.
- ۱۳- همان جا، ص ۷۷.
- ۱۴- جوینی، عظاملک. تاریخ جهانگشای جوینی، به سعی و اهتمام محمدبن عبدالوهاب قزوینی، سه جلد، چاپ چهارم، انتشارات ارغوان، تهران، ۱۳۷۰، ج ۲ صص ۹-۱۰.
- ۱۵- تذکره لباب‌الآلیاب، نیمه اول، ص ۷۸.
- ۱۶- وراوینی، سعدالدین. مرزبان‌نامه، به کوشش دکتر خلیل خطیب رهبر، چاپ چهارم، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۷۰، صص ۹-۱۰.
- ۱۷- دیوان انوری، ص ۵۲۳.
- ۱۸- مقدمه دیوان انوری، ص ۶۸.